



Identifying and analyzing military-security challenges, looking at the culture of Islamic resistance with emphasis on verses and traditions

Alinaghi Lezgi¹ | Javad Zarvandi² | Farhad Emraei^{*3}

Abstract

The spirit of resistance and standing against tyranny and oppressors is one of the natural and moral traits that exist in the institutions of all independence-seeking and freedom-seeking people, which without doubt based on historical evidence and reports and experience, it can be said that Muslim groups and countries, considering the rich Islamic culture and knowledge Elahi has always been one of the most prominent people throughout history who have shown resistance and resistance against their enemies. Therefore, in the present research, by mentioning this feature that Muslims are the second largest population of divine religions and have an important and decisive role in various issues: political, social, security, etc., in different and sensitive parts of the world, using descriptive method. - An analysis has been attempted, focusing on the Holy Qur'an and the traditions of the Innocents (PBUH), in addition to identifying, investigating and analyzing the military-security challenges and harms of the Islamic resistance culture in two internal dimensions such as: antipathy, false superiority, optimism and so on. .. and the external dimension such as: terror, spreading rumours, bribery, etc., each of which can somehow make the culture of Islamic resistance face serious challenges and vulnerability in the face of enemies.

Keywords: Islamic resistance, challenges, Holy Quran, traditions.

1. Assistant professor of Imam Ali University, Tehran, Iran.

2. Assistant professor of Shahid Settari University, Tehran, Iran.

3. Corresponding Author: 4th level student of Qom Seminary and Ph.D student of Quran and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran.

a.lezgi@yahoo.com

Javadzarvandi@gmail.com

farhadamraei@gmail.com



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۶/۱۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۶/۲۸



شناسایی و تحلیل چالش‌های نظامی-امنیتی، فراروی فرهنگ مقاومت

اسلامی با تأکید بر آیات و روایات

علینقی لژی^۱ | جواد زروندی^۲ | فرهاد امرائی^{۳*}

چکیده

روحیه‌ی مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستمگران از جمله صفات فطری و اخلاقی می‌باشد که در نهاد همه‌ی افراد استقلال‌طلب و آزادی‌خواه وجود دارد که بدون تردید براساس شواهد و گزارش‌های تاریخی و تجربه می‌توان گفت که گروه‌ها و کشورهای مسلمان با توجه به فرهنگ غنی اسلامی و معارف الهی همواره در طول تاریخ جزء سرآمدترین افرادی بوده‌اند که در برابر دشمنان از خود مقاومت و ایستادگی نشان داده‌اند. لذا در پژوهش حاضر با ذکر این ویژگی که مسلمانان دومین جمعیت بزرگ ادیان الهی به شمار می‌آیند و از نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در مسائل مختلف: سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... در نقاط مختلف و حساس جهان برخوردار می‌باشند با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تلاش گردیده است که با تمرکز و محوریت قرآن کریم و روایات معصومین(ع) علاوه بر شناسایی، به بررسی و تحلیل چالش‌های و آسیب‌های نظامی-امنیتی فراروی فرهنگ مقاومت اسلامی در دو بُعد درونی چون: دشمن‌هراسی، برتر پنداری کاذب، خوش‌بینی و... و بُعد بیرونی از قبیل: ترور، شایعه‌پراکنی، تطمیع و... که هر یک به نحوی می‌تواند فرهنگ مقاومت اسلامی را در تقابل با دشمنان با چالش‌های جدی و آسیب‌پذیری روبرو نماید پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: مقاومت اسلامی، چالش‌ها، قرآن کریم، روایات.

۱. استادیار دانشگاه امام علی (علیه السلام)، تهران، ایران.
a.lezgi@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه شهید ستاری، تهران، ایران.
Javadzarvandi@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم و دانشجوی مقطع دکتری علوم و قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران.
farhadamraii@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

با بررسی و تحلیل تاریخ و تحولات جوامع بشری، در گذشته و عصر حاضر در خواهیم یافت که منشأ و ریشه‌ی اصلی بسیاری از انقلاب‌ها، مبارزات و جنبش‌ها مردمی و... به دلیل آن بوده است که همواره گروه‌های ستم‌دیده و اصلاح‌گر با گروه‌های ستم‌پیشه و قدرتمند، به دلایل مختلفی چون: ویژه‌خواهی و انحصارطلبی‌های بی‌مورد، سلب آزادی‌های مشروع، تضییع حقوق انسانی، استعمارگری و... از ناحیه ستمگران در تقابل با یکدیگر بوده‌اند از این‌رو با تأمل نمودن در تاریخ اسلام و مسلمانان به وضوح مشاهده می‌شود که همزمان با ظهور دین مبین اسلام، مسلمانان به دلیل داشتن معارف و آموزه‌های والای وحیانی برگرفته از قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) و معصومین (ع) چون: ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، جهاد و شهادت و... به عنوان یک الگوی کامل و تمام‌عیار در زمینه‌ی مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمنان مطرح و نقش بسیار برجسته‌ای داشته‌اند، و در عصر حاضر نیز، گروه‌های مسلمان به دلیل دارا بودن عوامل مختلف پیشی و گرایشی که در حوزه‌ی مقاومت و استقامت در وجود و روحیه‌ی آن‌ها نهادینه و پرورش یافته است، در بین تمام ملت‌ها و گروه‌ها همواره پرچمدار روحیه‌ی مقاومت و ایستادگی با دشمنان خود می‌باشند. اما با توجه آن که با شروع هر نوع فعالیت مقاومتی از ناحیه هر گروه و تفکری به ویژه مقاومت‌های دارای فرهنگ اسلامی مخالفان آن با تمام توان و تلاش خود سعی در از بین بردن و ایجاد مشکلات و چالش‌هایی برای آن خواهند نمود. که این وجود این چالش‌ها و مشکلات به خودی خود می‌توانند زمینه‌ی ناکامی و عدم دستیابی کامل هر گروه مقاومتی را، نسبت به اهداف مورد نظر خود فراهم کند. لذا به طور طبیعی فرهنگ مقاومت اسلامی نیز که به عنوان یک حرکت اصلاحی-دفاعی که مرکب از شاخصه‌هایی چون: امور امنیتی، نظامی، اجتماعی، سیاسی و... می‌باشند هرگز از پیش‌رو داشتن چالش‌ها و مشکلات گوناگونی که می‌تواند به روند موفقیت آن آسیب برساند، مصون نمی‌باشد. بدین جهت در نوشتار حاضر با این ویژگی که تاکنون پژوهش و تألیف علمی جامع و مستقلی که به بررسی مسائل مختلف، در حوزه چالش‌های موجود و احتمالی که در حوزه مسائل امنیتی و نظامی مقاومت اسلامی با تأکید بر قرآن کریم و روایات معصومین (ع) انجام نگرفته است. نگارنده را بر آن داشته است که در این

پژوهش با تلاش علمی و با تأکید و الگو برداری از آیات قرآن کریم، روایات معتبر معصومین (ع) به عنوان با ارزش ترین گنجینه های علمی-معنوی نگارنده را بر آن داشته است که در این پژوهش با تلاش علمی و با تأکید و الگو برداری از آیات قرآن کریم، روایات معتبر معصومین (ع) به عنوان با ارزش ترین گنجینه های علمی، معنوی به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که آیا در قرآن کریم و روایات به چالش های حوزه ی نظامی-امنیتی فرهنگ مقاومت اسلامی پرداخته شده است یا خیر؟ و در صورت ورود به مسأله ی مذکور، تبیین و تحلیل آیات قرآن و روایات از آن به چه نحوی بوده است.

یافته های پژوهش

چالش های نظامی-امنیتی

بدون تردید یکی از کلیدی ترین مولفه های قدرت و نفوذ هر یک از کشورها و جریان های تاثیر گذار در جوامع بشری، موضوع قدرت نظامی و دارا بودن امنیت در زمینه های مختلفی از قبیل: امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و نظامی-امنیتی و... می باشد که در بین موارد مذکور بحث آسودگی و امنیت خاطر در مسائل نظامی و امنیتی از نقش بسیار ویژه و بسزای برخوردار می باشد. زیرا بسیاری از مسائل زیر بنایی یک کشور از جمله: مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و... تحت تاثیر مستقیم مسائل نظامی-امنیتی می باشند و به عبارت دیگر می توان گفت که به هر اندازه که در مسائل نظامی و امنیتی یک کشور و یک جریان آسیب و چالشی به وجود بیاید به همان تناسب در دیگر ابعاد امنیتی مانند: امنیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... آسیب های مهمی به وجود می آید و ضریب امنیتی در این موارد نیز تنزل خواهد نمود. از این رو با دقت نظر در زوایا و ابعاد گوناگون چالش های احتمالی نظامی-امنیتی که در پیش روی فرهنگ مقاومت اسلامی قرار دارد دانسته می شود که منشاء و سبب اصلی به پدیدار شدن آن ها صرفاً نمی تواند از یک جنبه و بُعد خاصی باشد بلکه این چالش های موجود و احتمالی را می توان از دو بُعد درونی و بیرونی مورد بررسی قرار داد که در این بخش سعی می شود به علاوه بر شناسایی به بررسی و تحلیل این چالش ها و آسیب های احتمالی از منظر آیات قرآن کریم و روایات اسلامی پرداخته شود:

۱. چالش‌های درونی

در این قسمت به چالش‌ها و آسیب‌های موجود یا احتمالی نظامی-امنیتی که ممکن است تأثیر پذیرفته و یا توسط افرادی که در جبهه مقاومت قرار دارند و بر اثر امور مختلفی مانند: عدم آگاهی، کم‌کاری، غفلت و... زمینه‌ی به وجود آمدن آن‌ها را فراهم نماید می‌پردازیم:

• دشمن‌هراسی

از جمله صفات بارز و شاخص اهل ایمان که در آیات قرآن کریم و روایات فراوانی از معصومین (ع) مورد تأکید ویژه ای قرار گرفته است صفت شجاعت و عدم هراس می‌باشد چنان که در توصیف رسول خدا (ص) و یاران حقیقی آن حضرت در قرآن آمده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹). خداوند متعال در آیه دیگری نیز در مقام مدح و تمجید از مجاهدین فی سبیل الله فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف/۴). امیرالمومنین (ع) در سخنی پیرامون شجاعت می‌فرماید: «سخاوت و شجاعت خصلت‌های والایی هستند که خداوند سبحان آن‌ها را در وجود هر کسی که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۴). در مقابل نقش موثر و انکار ناپذیر شجاعت و داشتن روحیه مجاهدانه در شکست دشمنان و پیروزی بر آنان، هراس و مرعوب شدن از دشمن یکی از چالش‌ها و آفت‌های است که می‌تواند هر گروه و جریان داعیه دار مقاومت اسلامی را با آسیب‌های جبران ناپذیری مواجه کند چنان که خداوند در ارتباط با نحوه‌ی شرکت و جهاد مسلمانان در پیکار با دشمنان بعد از جنگ بدر به آن تذکر می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْأَذْبَارَ» (انفال/۱۵). کلمه‌ی «لَقِيتُمُ» از ماده‌ی لغوی «لَقِيَ، يَلْقَى» می‌باشد که مصدر آن کلمه‌ی «الَلْقَاءُ» به معنی «مقابله و روبرو شدن دو چیزی است که با هم و تصادفاً برخورد کنند» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۴۵). که در آیه شریفه فوق کنایه از شدت نزدیکی و روبرو شدن مسلمانان با لشکر دشمن است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۸۱۳). خداوند در این آیه از روبرو شدن سپاه مسلمانان با کفار از این عبارت استفاده نموده است که در واقع بازگو کردن داستان جنگ بدر در این سوره و نعمت‌های گوناگون خداوند بر مسلمانان نخستین در این جریان به خاطر آن است که مسلمان از گذشته و تاریخ خود برای آینده عبرت

بیاموزند و دیگر آن که یک دستور کلی جنگی را برای تمام مومنین عصرها و تاکید می کند که هرگز از دشمن خود نهراسند و به آن ها در هنگام پیکار پشت نکنند و از آنان هیچ گونه هراسی نداشته باشند. و همچنین در آیه شریفه «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/۱۷۳). خداوند یاد آور می شود که منافقین بعد از پایان جنگ احد در صدد ترساندن لشکر مسلمانان از سپاه ابوسفیان بوده اند بدین صورت که در بین مسلمان شایعه می نموده اند: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ» یعنی (منافقین) به آنان (مسلمانان) گفتند: مردم، (دشمنان) برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!، اما در مقابل این دسیسه و توطئه منافقین که برای تضعیف روحیه جنگی مسلمانان در نظر گرفته بودند علاوه بر آن که هیچ خلل و هراسی را در اراده مسلمانان پدید نیاورد بلکه بر روحیه ایمان و توکل آنان نیز افزوده گردید. پس بنابراین عدم هراس از دشمن در فرهنگ مقاومت اسلامی از شرایط بسیار ضروری است که رمز موفقیت و پیروزی بر دشمن در گرو آن می باشد.

• خود برتر پنداری کاذب

مواجهه‌ی واقع بینانه با واقعیت‌ها اعم از نقاط قوت و ضعف در ابعاد گوناگون امور مختلف از اصول مسلم پیشرفت و حرکت رو به جلوی هر فرهنگ و ایدئولوژی می باشد چرا که با نگاه واقع بینانه در امور مختلف می توان یک تحلیل جامع و صحیح از مسائل پیرامون خود را ارائه نمود و در صدد رفع کاستی‌ها و تکمیل نواقص برآمد اما در صورت عدم تحلیل و تکیه نمودن بر تصورات ذهنی برتر پندارانه‌ی غیر واقعی که با واقعیت‌های موجود در خارج از ذهن هیچ تناسبی ندارد بدون تردید این تفکر موجب شکست قطعی و آسیب‌های جبران ناپذیری می شود لذا رعایت اصل عدم خود برتر پنداری کاذب و بی مورد از مهم ترین راه‌های دست یابی به اهداف مورد نظر در تمامی امور و مسائل به ویژه در مسائل نظامی-امنیتی می باشد لذا خداوند در جاهای مختلفی در قرآن کریم افراد و گروه‌ها را از تکیه کردن و اعتماد بر حدس و گمان‌های بی پایه و اساسی که منحصراً مبتنی بر تصورات خود ساخته‌ی ذهنی است علاوه بر مذمت، آن‌ها را از این گونه روش‌ها و برداشت‌ها بر حذر داشته است (یونس/۳۶، نجم/۲۸، بقره/۷۸). چنان که در ارتباط با جنگ حنین که این گونه تفکر خود برتر پندارانه از جهت کثرت نیروی نظامی در بین بسیاری از لشکر مسلمانان به وجود آمد و فراوانی جمعیت لشکر خود را که در برخی منابع دوازده هزار نفر ذکر شده است

دلیل بر پیروزی قطعی خود بر دشمن می‌دانستند و مغرورانه می‌گفتند: «لَنْ نَغْلِبَ الْيَوْمَ» یعنی «ما هرگز با این همه تعداد شکست نخواهیم خورد که این امر موجب گردید این انبوه جمعیت که گروهی از آنها از افراد تازه مسلمان و ساخته نشده بودند، موجب فرار لشکر و شکست ابتدایی مسلمان شد، ولی سرانجام با لطف و نصرت الهی، خداوند متعال آن‌ها را این شکست اولیه نجات بخشید (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۷۰). از این رو خداوند در آیات مربوط به جنگ حنین می‌فرماید: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شِئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبَتْ ثُمَّ وَكُنْتُمْ مُدْبِرِينَ» (توبه/۲۵). «خداوند شما را در جاهای زیادی و روز حنین یاری کرد و در آن هنگام که فزونی جمعیت شما را مغرور ساخت، ولی (این تصور) به هیچ وجه از شما دفع (خطر) نکرد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس (به دشمن) پشت کرده، فرار نمودید!» لذا در روایات اسلامی به مسأله‌ی خود برتر پنداری کاذب و غیرمسئولانه که منشاء آن مسأله غرور و خود بینی است هشدار داده شده است:

الف: امیرالمومنین (ع) در حدیثی می‌فرماید: «کسی که اعتماد (و تکیه) بر غرور و باطل کند از تفکر در عاقبت کارها باز می‌ماند» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۷۱).

ب: در حدیث دیگری نیز از امام علی (ع) در ارتباط با این که خود برتر پنداری، انسان را در انبوهی از خیالات گرفتار می‌سازد و اسباب نجات را از او قطع می‌کند آمده است: «کسی که سراب‌ها (تصورات ذهنی منفی) او را فریب دهد و مغرور سازد اسباب (نجات) از او قطع می‌شود!» (همان، ج ۱، ص ۱۷۳).

• خوش بینی به دشمن

حُسن ظن و گمان نیک داشتن به افراد از جمله صفات مهم اخلاقی است که در قرآن کریم و متون حدیثی مورد سفارش و توصیه قرار گرفته است به عنوان نمونه خداوند متعال در ارتباط با افرادی که اقرار به مسلمان بودن و پذیرفتن اسلام خود می‌کنند به مسلمانان دستور می‌دهد که بایستی اقرار کردن آن‌ها به مسلمانی مورد پذیرش واقع شود و نباید با آن‌ها به وسیله توجیهاات و دلائل غیر قابل قبول، برمسلمان بودن آن‌ها خدشه‌ای وارد شود چنان که قرآن متذکر می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (نساء/۹۴). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر

می‌کنید رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما (اظهار) اسلام می‌کند؛ نگویید تو مومن نیستی». و یا آن که امیرالمومنین (ع) در روایتی می‌فرماید: «اعمال برادر دینی‌ات را بر نیکوترین وجهی تفسیر و توجیه کن، مگر این که دلیلی بر خلاف آن قائم شود و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده گمان بد مبر تا هنگامی که می‌توانی برای آن توجیهی مناسب و راه صحیح داشته باشی» (کلینی، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۳۶۲). اما نکته‌ی کلیدی که در ارتباط با موضوع حُسن ظن وجود دارد آن است که در تمام مواردی که در متون دینی دستور و سفارش به حُسن ظن داده شده است مربوط به مومنین و جامعه اسلامی است و یا کسانی که حداقل دشمنی آنان علیه مومنین و جامعه اسلامی آشکار و بروز داده نشده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۱، مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۲۰۱). که بنابر توصیه آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) مسلمانان بایستی در مقابل با تحركات و تعاملات دشمنان در همه زمینه‌ها خصوصاً در موضوعات اساسی مانند مسائل نظامی و امنیتی که حساسیت و نقش بالایی در امنیت و آرامش جامعه مسلمین دارند به هیچ وجه نباید شیوه حُسن ظن و خوش بین بودن به دشمنان را مدنظر قرار بدهند چرا که دشمن از هر گونه فرصتی برای ضربه و آسیب زدن به پیکره‌ی ابعاد مختلف جامعه اسلامی دریغ نخواهد نمود چنان که قرآن کریم خطاب به رسول خدا (ص) در مورد نحوه‌ی اقامه نماز خوف در معرکه جنگ در مورد سوء استفاده و عدم خوشبینی به دشمن و همچنین آمادگی کامل در مقابل حمله ناگهانی آن‌ها می‌فرماید: «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً» (نساء/۱۰۲). «کافران آرزو دارند که شما از سلاح‌ها و متاع‌هایتان (در حال نماز) غافل شوید تا یکباره بر شما هجوم بزنند». لذا امیرالمومنین (ع) در نامه‌ی حکیمانه خود به مالک اشتر در مورد عدم خوش بینی به دشمنان تأکید می‌فرماید: «هنگامی که با دشمنت پیمان صلح بستی کاملاً از او بر حذر باش زیرا دشمن گاه نزدیک می‌شود که تا طرف را غافل گیر کند بنابراین در چنین شرایطی اختیار را از دست مده و دور اندیش باش و حُسن ظن خویش را متهم ساز» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). با توجه در مطالب مذکور بر تمام مسئولان و عناصر موثر در عرصه‌های مختلف گروه‌های مقاومت اسلامی در تمام رده‌ها ضروری است که در برخورد و تعامل نمودن با دشمنان تحت هیچ گونه شرایطی اعتماد نموده و خوشبین نباشند و هرگز از حيله و فریب‌های احتمالی آنان غفلت نورزند.

• عدم آمادگی رزمی

آمادگی رزمی و جسمانی نیروهای مسلح از بديهی‌ترین شاخصه‌های قدرت نظامی هر کشور و گروه نظامی به شمار می‌آید که طبیعتاً تأثیر مستقیمی در مسائل امنیتی و نظامی دارد و در مقابل آن، چالش و آسیب عدم آمادگی یا ضعف فیزیکی و جسمی نیروهای نظامی یک جریان و گروه به شدت می‌تواند زمینه‌های شکست سریع و عدم دستیابی به اهداف مورد نظر آن‌ها را فراهم سازد و بدون شک کشورها یا گروه‌های اسلامی که خود را ملزم به رعایت فرهنگ مقاومت اسلامی در مقابل دشمنان و مستکبران می‌دانند نیز از این قاعده کلی و اصل بسیار حساس مستثنی نبوده و بایستی در راه تقویت و آمادگی رزمی و جسمانی نیروهای نظامی خود نهایت سعی و تلاش خود را در این مسیر به کار ببندند و از برطرف نمودن هر ضعف و نقصی که آن‌ها را دچار چالش می‌کند فرو گذاری نکنند. همان گونه که از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) دانسته می‌شود که آمادگی رزمی نیروهای نظامی در مقابل دشمنان جامعه اسلامی از جایگاه بسیار مهم و کلیدی برخوردار است و به شدت مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است. چنان که در قرآن کریم در خطابی دستوری به عموم مسلمانان آمده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال/۶۰). «شما مؤمنین باید برای مقابله آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان چابک فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شمایند بترسانید». با دقت در این آیه که برخی مفسران نیز بر آن تأکید کرده‌اند خداوند متعال یک دستور کلی و کاربردی را بدین صورت که مؤمنین باید در مقابل نیروهای دشمن و کفر از آمادگی همه جانبه و در تمام ابعاد اعم از نیروی رزمی، تسلیحاتی، امنیتی و ... برخوردار باشند متوجه عموم مؤمنین قرار داده است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ص ۲۷۵). و نکته دیگر آن که کلمه ی «قُوَّة» در آیه مذکور در واقع یک مفهوم و بار معنایی گسترده‌ای را در بر دارد که علاوه بر وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصر بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد اعم از نیروهای مادی و معنوی را در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۷، ص ۲۲۲). همان گونه که در روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی مذکور آمده است: «از جمله موارد فراهم نمودن آمادگی (در مقابل دشمن) خضاب سیاه نمودن (موهای سپید) است» (ابن بابویه، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۳). و در حدیث بسیار کلیدی دیگر در

ارتباط با موضوع عدم آمادگی دفاعی و رزمی در مقابل دشمن از امیرالمومنین (ع) سفارش گردیده است: «آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه با شامیان دعوت کردم و گفتم پیش از آن که آنها با شما بجنگند با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند، هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد. اما شما سستی به خرج دادید، و خواری و ذلت پذیرفتید، تا آنجا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سر زمین های شما را تصرف نمود» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). و همچنین از پیامبر (ص) در مورد تشویق به ساخت و آماده کردن تجهیزات نظامی و استفاده از آن در مقابل دشمنان از نقل شده است که فرمودند: «خداوند به وسیله یک تیر و کمان سه طایفه را به بهشت می برد، یکی سازنده آن را به شرطی که از ساختن آن غرض خیر داشته باشد، و یکی آن کسی را که با آن تیر خود را در راه خدا مُسَلِّح می کند، و یکی آن کسی را که آن تیر را در راه خدا به کار می برد» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۲).

• اهمال در مواضع راهبردی

یکی از تاکتیکی ترین مسائل اصول نظامی که در دستاوردهای مفید و نتیجه بخشی همه ی نبردهای رزمی-نظامی نقش و تأثیر انکار ناپذیری دارد توجه نمودن و برنامه ریزی کردن مطلوب جنگی در مورد مواضع راهبردی و استراتژیکی چون: رودخانه ها، تپه ها، جنگل ها، بیابان ها و... می باشد که بدون شک عدم برنامه ریزی مناسب و دقیق، در این گونه مکان های حسّاس و راهبردی می تواند زمینه ی فراهم نمودن هر گونه سوء استفاده و چالش های مهمی را در ابعاد نظامی-امنیتی از ناحیه دشمن را در پی داشته باشد. بنابراین تمام کشورها و عناصری که در مسیر شکوفایی و تحکیم فرهنگ مقاومت اسلامی هستند بایستی با توجه به دیدگاه و نظرات متخصص، اهل فن، مطالعات و برنامه ریزی های لازم و مناسب را در زمینه ی توجه به مناطق و مواضع راهبردی و استراتژیکی به عمل بیاورند. زیرا اگر در معارف و آموزه های ناب اسلامی به خوبی دقت شود پی خواهیم برد که مسأله ی توجه به موضوع مواضع و مکان های استراتژیکی و عدم اهمال نمودن در آن ها از جایگاه مهمی برخوردار می باشد. چنانچه که مفسران در ارتباط با شأن نزول آیه شریفه «وَ إِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران/۱۲۱). که در مورد جنگ احد می باشد بیان کرده اند که بعد از جنگ بدر که مشرکین از ناحیه مسلمانان شکست بسیار سختی را متحمل شدند و در سال بعد که خود را تجهیز نموده بودند جنگ و نبرد تازه ای را علیه

مسلمانان رقم زدند (طبری، ج ۴، ص ۴۵، واحدی، ص ۷۰). در بین اصحاب پیامبر (ص) پس از اطلاع یافتن از تدارک جنگ علیه مسلمانان اختلاف وجود داشت که نتیجه بر آن شد نبرد در خارج از شهر انجام بگیرد. لذا پیامبر (ص) «عبد الله بن جبیر» را با ۵۰ نفر تیرانداز بر شکاف کوه احد گماشتند که از این مکان حساس محافظت کنند چرا احتمال غافل‌گیری مسلمانان از این ناحیه بسیار محتمل بود و پیامبر (ص) تأکید فرمودند: تحت هیچ‌گونه شرایطی محافظت از شکاف کوه احد را رها نکنند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۲۲۹). از دیگر طرف «ابو سفیان»، «خالد بن ولید» را با تعدادی، مراقب تنگه‌ی احد کرد و دستور داد در شرایط مناسب سریعاً مسلمانان را مورد حمله قرار بدهند. در ابتدای نبرد، مسلمانان توانستند لشکر قریش را در هم بکوبند و مجبور به عقب نشینی شوند. اما در این شرایط برخی از تازه مسلمانان و به تبع آن‌ها تیراندازانی که در بالای کوه مستقر بودند به تصور آن که دشمن شکست خورده است، برای جمع‌آوری غنائم سنگ‌های خود را در موضع راهبردی و استراتژیک دره احد ترک کردند که در نتیجه لشکر مشرکین با سرعت به «عبد الله ابن جبیر» و یاران اندکش حمله نموده و با شهادت آنان، لشکر مسلمان را شکست دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۷۳). از این رو در روایات فراوانی دیده می‌شود که بر نقش و اهمیت حفظ مرزها به عنوان نزدیک‌ترین و راهبردی‌ترین مواضع به دشمنان، سفارشات فراوانی شده است چرا اگر در حفظ و امنیت مرزها با توجه به شرایط جغرافیایی که دارند کوتاهی شود آسیب‌های جبران‌ناپذیری متوجه کیان کشورهای اسلامی خواهد شد که برای نمونه به چند روایت اشاره می‌گردد:

الف: پیامبر (ص) فرموده است: «مرزها جعبه‌های تیر خداوند، و مرزبانان تیرهای خدا هستند» (دیلمی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۰۴).

ب: رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اول گروهی که داخل بهشت می‌شوند، مستضعفین و هجرت‌کنندگان برای استحکام مرزها هستند» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۶۸).

ج: امام سجاد (ع) در دعای بسیار پر محتوایی در مورد اهمیت مرزها و مرزبان چنین دعا فرموده اند: «بار خدایا! شمار مرزبانان را افزون کن و سلاحشان را برنده ساز از منطقه مورد حراستشان، محافظت کن و پیرامونشان را نفوذ ناپذیر گردان. جمعشان را متحد کن و خود به تدبیر

امورشان بپرداز. سر رشته آذوقه‌شان گسسته مگردان و دشواری‌ها از پیش پایشان بردار و...» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷).

• آموزش‌های غیر صحیح

بی‌گمان نیروهای نظامی و امنیتی از اساسی‌ترین ارکان هر کشور و گروهی محسوب می‌شوند که با آسیب دیدن و یا زمینه وجود چالش‌های احتمالی این بخش، بدون شک بخش‌های دیگر نیز مانند: امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... که در ارتباط با این بخش هستند تحت تأثیر قرار مستقیم خواهند گرفت لذا با تدبیر و رجوع به آیات شریفه قرآن کریم و روایات اهل‌البیت (ع) دعوت به آموزش صحیح و کاربردی در امور مذکور مورد توصیه قرار گرفته است به عنوان نمونه خداوند تعالی در در دستوری تاکتیکی و یکی از اصول مهم جنگی یعنی اصل آمادگی همه جانبه به مومنین در نبرد مقابل با دشمنان سفارش می‌کند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً» (نساء/۷۱). کلمه‌ی «حِذْر» در لغت به معنی «بیداری و آمادگی و مراقبت در برابر خطر احتمالی دشمن در آینده است» (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۱۱۳). و کلمه‌ی «ثُبَاتٍ» نیز یعنی گروه‌ها و دسته‌جات پراکنده که متشکل از سربازان جنگ‌آزموده می‌باشد» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۳۲). در واقع خداوند در این شریفه دو دستور مهم و کاربردی را به مومنین مجاهد برای حفظ موجودیت و مقاومت اجتماعی‌شان گوشزد نموده است: نخست می‌گوید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ» یعنی با کمال دقت مراقب دشمن باشید مبدا غافل‌گیر شوید و از ناحیه آنها خطری به شما برسد. سپس دستور می‌دهد «فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً» یعنی برای مقابله با دشمن از روش‌ها و تاکتیک‌های مختلف استفاده کنید و در دسته‌جات پراکنده رزمی یا به صورت دسته‌جات جمعی، برای دفع دشمن روانه‌ی نبرد بشوید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ص ۳). همچنین در آیه دیگری در ارتباط با یکی از اصول نظامی یعنی اصل توجه به «غافلگیری» که در اصطلاح عبارت است: «اجرای عملیات در زمان و مکان و طریقی که برای دشمن غیر منتظره بوده به طوری که برای مقابله با آن پیش‌بینی‌های لازم را به عمل نیاورده و فرصت عکس‌العمل را نداشته باشد» (بیات، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۳۸). خطاب به رسول‌خدا (ص) در مورد کیفیت و چگونگی نماز خوف در میدان نبرد و جلوگیری از غافل‌گیری توسط دشمنان می‌فرماید: «و هرگاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی، پس باید گروهی از آنان با تو (به

نماز) ایستند؛ و باید جنگ‌افزارهای خود را بگیرند؛ و چون به سجده رفتند باید پشت سر شما قرار گیرند، و گروه دیگری که نماز نکرده‌اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را بگیرند...» (نساء/۱۰۲). بدین منظور در روایات معصومین (ع) نیز آموزش‌های کاربردی و سودمندی که در راه پیروزی و موفقیت در نبردهای جنگی موثر است تذکر داده شده است از جمله امیرالمومنین (ع) در یکی از نامه‌های خود به یکی از پیش‌آهنگان سپاه خود به سوی شام می‌نویسد: «در خُنکی صبح و عصر، سپاه را حرکت ده، در هوای گرم لشکر را استراحت ده، و در پیمودن راه شتاب مکن. در آغاز شب حرکت نکن ... مَرکب‌ها را آسوده بگذار... هر جا دشمن را مشاهده کردی در میان لشکرت بایست، نه چنان به دشمن نزدیک شو که چنان جنگ افروزان باشی، و نه آنقدر دور باش که پندارند از نبرد می‌هراسی، تا فرمان من به تو رسد» (نهج البلاغه، نامه ۱۲). و آن حضرت نیز در دستور دیگری نیز به دو تن از فرماندهان خود می‌فرماید: «هرگاه به دشمن رسیدند، یا او به شما رسید لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها، یا دامنه کوه‌ها، یا بین رودخانه‌ها قرار دهید، تا پناهگاه شما، و مانع هجوم دشمن باشد. جنگ را از یک سو یا دو سو آغاز کنید، و در بالای قلّه‌ها و فراز تپه‌ها، دیده بان‌هایی بگمارید، مبدا دشمن از جایی که می‌ترسید یا از سویی که بیم ندارید، ناگهان بر شما یورش آورد، و بدانید که پیشاهنگان سپاه دیدبان لشکریانند و دیدبانان طلایه داران سپاهند. از پراکندگی پرهیزید، هر جا فرود می‌آیید، با هم فرود بیایید، و هر گاه کوچ می‌کنید همه با هم کوچ کنید. و چون تاریکی شب شما را پوشاند، نیزه داران را پیرامون لشکر بگمارید، و نخوابید مگر اندک، چونان آب در دهان چرخاندن و بیرون ریختن» (نهج البلاغه، نامه ۱۱).

۲. چالش‌های بیرونی

در این بخش به بررسی و تحلیل چالش‌های احتمالی که از ناحیه دشمنان به عنوان چالش‌های بیرونی که عبارت است: مجموعه برنامه‌ریزی و فعالیت‌های دشمن در زمینه‌های متفاوت با هدف آسیب‌رسانی، تضعیف و در نهایت منجر به شکست جبهه مقاومت انجام می‌گردد پرداخته خواهد شد:

• جاسوسی

یکی از کهن‌ترین تاکتیک‌های جنگی که همواره در طول تاریخ جنگ‌ها وجود داشته است و دارد موضوع جاسوسی و نفوذ در بین نیروهای دشمن می‌باشد و دشمن در راستای پیشبرد اهداف خود و جلوگیری از اقدامات دشمن گاهی از تجسس و جاسوسی نمودن در امور آن‌ها استفاده می‌کرده است چنان که در گزارش‌های تاریخی آمده است مصری‌ها چند قرن قبل از میلاد مسیح (ع) دارای اداره اطلاعات و مخابرات و جاسوسی بوده‌اند (هانی، ۱۹۷۴م، ص ۳۳). و یا آن که حکومت هخامنشیان به امر جاسوسی اهمیت ویژه‌ای داده‌اند و طبق گزارش مورخان، آنان نهادی به نام «چشم و گوش شاه» داشته‌اند (بریان، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۷۲۷-۷۲۵). جاسوسی در اصطلاح عبارت است: «تجسس و گردآوری اطلاعات و اسناد مخفی و طبقه بندی شده درباره‌ی امور نظامی یا کسب اطلاع از اوضاع و احوال سیاسی یا اقتصادی مملکت، به قصد دادن آن‌ها به دولت خارجی در مقابل پول یا هر نوع پاداش و اجرت» (بجنوردی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۹). با توجه مطالب مذکور بدون تردید یکی از خطرناک‌ترین مسائلی که در ارتباط با چالش‌های پیش‌روی فرهنگ مقاومت اسلامی وجود دارد موضوع جاسوسی و نفوذ نیروهای دشمن در بین کشورها و گروه‌های دارای تفکر مقاومت اسلامی می‌باشد. لذا همواره یکی از محوری‌ترین موضوعاتی که در قرآن کریم در مناسبات مختلفی مطرح و منعکس گردیده است و رسول خدا (ص) و همه مومنین را در مورد آن‌ها هشدار داده است جریان نفاق و منافقینی است که تحت عنوان جاسوس در بین گروه‌های مسلمانان آن‌هم به دلیل انگیزه‌های گوناگونی نفوذ کرده بودند همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن کریم به آن‌ها اشاره فرموده است (توبه/۱۰۱، منافقون ۱-۸). از این رو خداوند به صورت صریح مومنین را از هر گونه دوستی با کافران و دشمنان مورد نهی و حذر قرار داده است چرا که طبیعتاً این دوستی می‌تواند زمینه‌ساز هر گونه نفوذی اعم از اعتقادی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی و... را از ناحیه‌ی دشمنان در میان مسلمانان فراهم سازد: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً...» (آل عمران/۲۸). و در روایتی نیز در مورد ضرورت دقت بر امر جاسوسان آمده است: «پیامبر (ص) که قصد تدارک حمله به کفار مکه را داشتند شخصی از منافقین به زنی از مشرک اهل مکه، که به دلیل نیاز مالی در مدینه به نزد رسول خدا (ص) آمد نامه‌ای را که حاوی گزارش حمله پیامبر (ص)

را به او سپرد تا به اهل مکه برساند که پیامبر(ص) پس از آگاهی از این نامه فوراً گروهی را به سرپرستی امیرالمومنین(ع) برای دستگیری وی فرستاد و هنگامی که به آن زن رسیدند نامه را در خواست کردند که او قسم یاد کرد نامه‌ای ندارد! گروه تصمیم بر برگشت نمودند که امیرالمومنین(ع) فرمودند: «به خداوند قسم پیامبر به ما دروغ نگفت و ما هم گفته آن حضرت را تکذیب نمی‌کنیم» سپس شمشیر کشید و به آن زن گفت: «نامه را بده و گرنه گردنت را می‌زنم» زن که تهدید را جدی دید نامه را از میان موهای سرش بیرون کشید و به مأموران داد آن‌ها نیز به سرعت نامه را خدمت پیامبر(ص) آوردند(قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۳۶۲). و در روایت دیگری پیرامون جاسوسی آمده است: «زمانی که به معاویه خبر بیعت مردم با امام حسن(ع) رسید دو جاسوس را مأمور کرد که اوضاع را بر ضد امام حسن(ع) آشفته سازند. که امام(ع) بعد از اطلاع یافتن دستور به شناسایی و کشتن آن دو جاسوس دادند(مفید، ۱۳۱۳ق، ج ۲، ص ۹). از این رو با توجه به خطر و نقش حساسی که موضوع جاسوسی و نفوذ در مباحث نظامی، امنیتی و سیاسی و... دارد دیده می‌شود که در روایات اسلامی سخت‌ترین مجازات‌ها را برای این گونه افراد در نظر گرفته شده است چنان که امام باقر(ع) در روایتی می‌فرمایند: «زمانی که بر جاسوس و خبرچین دست یافته شود کشته می‌شوند»(مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۹۸).

• شایعه پراکنی

یکی دیگر از ابزار مهمی که دشمنان در هر زمان و مکانی برای دست یافتن به هدف و مقصود خود از آن به هر طریقی بهره برداری می‌کنند موضوع شایعه پراکنی و انتشار مطالب کذب در بین نیروهای جبهه مخالف خود می‌باشد. شایعه سازی در اصطلاح یعنی: «یک موضوع خاص و گمانی که ملاک‌های اطمینان بخش رسیدگی وجود نداشته باشد؛ که معمولاً به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد»(آل پورت، ۱۳۷۴ش، ص ۹). بنابراین یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مهم فرهنگ مقاومت اسلامی به ویژه در عصر حاضر به دلیل گستردگی و دسترسی همگانی و همه جانبه‌ی مردم به شبکه‌های اطلاع رسانی فضای‌های مجازی و خبری، توجه کردن و خنثی سازی روش و تاکتیک‌های خبری دشمن در راستای شایعه پراکنی‌های بی‌اساس در بین گروه‌های مختلف می‌باشد. زیرا عدم مقابله و برنامه‌ریزی مناسب با شایعه‌سازی‌های دشمن به خصوص در مسائل نظامی و امنیتی می‌تواند تأثیرات روانی بسیار مخرب کننده‌ای را در بین افراد به وجود

بیاورد. لذا با دقت در تاریخ پُر فراز و نشیب اسلام مشاهده می‌شود که شایعه‌سازی همواره به عنوان یکی از ابزارهای مهم دشمن برای شکست و از بین بردن حکومت نوپای مسلمانان بوده است چنان‌که در هیاهوی جنگ اُحد دشمنان نقشه‌ی جدید شایعه‌ی شهادت پیامبر (ص) را طراحی نمودند که این امر موجب تضعیف روحیه‌ی بسیاری از مسلمانان گردید قرآن کریم در اشاره به این موضوع می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران/۱۴۴). و در آیه‌ی دیگری نیز به امر شایعه پراکنی عده‌ای از منافقین و مسلمانان ضعیف‌الایمان اشاره شده است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَكَلَّوْا رُدُّوهُ إِلَى الرُّسُولِ وَالْإِلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِيَّاكُمْ قَلِيلًا» (نساء/۸۳). مفسران گفته‌اند در آیه فوق مقصود از «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ» شایعات و اخباری کذبی که کفار و منافقین در میان مسلمانان منتشر می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۲۱). و تاریخ‌نویسان نیز در اشاره به این مسئله آورده‌اند که «ابوسفیان»، در پایان جنگ اُحد، مسلمانان را تهدید کرد که سال آینده در سرزمین بدر با آنان قتال خواهد کرد. یک سال گذشت و مسلمانان در طول این مدت پیروزی‌هایی متعدد کسب نمودند. ابوسفیان از بیم آن‌که نبردی پیش آید و شکستی را متحمل شود از رفتن به بدر منصرف شد. از سویی نیز تلاش کرد مسلمانان را از حضور در میدان نبرد بازدارد. از این‌رو شخصی را به میان سپاه اسلام گسیل داشت تا با انتشار اکاذیب و شایعاتی، مبنی بر عظمت و قدرت سپاه کفار، مانع از حضور ایشان در نبرد شود. اما با این وجود رسول خدا (ص) همراه با ۱۵۰۰ نفر از مسلمانان به سوی بدر حرکت کردند. ابوسفیان، بعد از آگاهی از عقیم ماندن توطئه‌هایش، از آمدن به کارزار منصرف شد و در مکه ماند (ابن هشام، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۱). لذا قرآن کریم در راهکار تاکتیکی و اساسی در مقابله با شایعات و اخباری که صدق و کذب آن‌ها به صراحت روشن نگردیده است دستور می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات/۶). و در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) نیز بر مقابله با خنثی‌سازی برنامه شایعه‌سازان تاکید شده است و می‌فرماید: «کار برادر دینی خود را به بهترین وجه آن مقرر دار تا آنکه دلیلی به دست تو آید که بر تو چیره شود و راه توجیه را بر تو ببندد و به هیچ سخنی که از

برادرت برآید بد گمان مباش تا محمل خوبی برای آن توانی یافت» (کلینی، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۳۶۲).

• تفرقه و اختلاف افکنی

تفرقه و اختلاف افکنی همواره یکی از اساسی‌ترین آسیب‌ها و چالش‌هایی است که در طول تاریخ جنگ‌ها دشمنان از آن به عنوان یک حربه در راستای اهداف خود از آن بهره برداری نموده‌اند و از این فرصت توانسته‌اند که شکست یا آسیب‌های غیر قابل جبرانی را بر پیکره‌ی دشمن خود وارد بسازند. از این رو گروه‌های موسوم به مقاومت اسلامی بایستی برای رفع و دفع نمودن هر گونه چالش و آسیب احتمالی، از جمله موضوع اختلاف و نزاع در بین نیروهای خودی را که ممکن است از ناحیه دشمنان طراحی شده باشد آمادگی و برنامه‌ریزی کاملی را ارائه بدهد و تمام کوشش خود را در جهت خنثی نمودن نقشه‌ی آن‌ها به کار بگیرند. زیرا ایجاد و پیدا شدن اختلاف و نزاع در بین افراد یک گروه به ویژه در ابعاد نظامی و امنیتی به طور قطع و یقین موجب تضعیف و هرج و مرج‌گرایی خواهد گردید با مراجعه در متون دینی دیده می‌شود که خداوند متعال جامعه مسلمانان را از هر گونه اختلاف و تفرقه افکنی پرهیز داده است. چنان که قرآن کریم در این رابطه تصریح می‌فرماید: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶). خداوند در آیه فوق مومنین را به دوری از هر گونه اختلاف و تفرقه فرمان داده است و در ادامه آیه در علت اهمیت عدم تفرقه و نزاع در بین مومنین بیان می‌گردد: «تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» یعنی تفرقه موجب می‌شود که شکوه و قدرت شما از بین برود. از «ابن عباس» نقل شده است که: «بعد از جنگ بدر وقتی که ابوسفیان یقین کرد که کاروان تجاری را نجات داده است، برای لشکر نظامی قریش پیام فرستاد که باز گردند. ابوجهل گفت: باز نمی‌گردیم، تا بدر را به تصرف درآوریم. و گفت: سه روز در آنجا می‌مانیم و مشغول عیش و نوش می‌شویم تا مسلمانان از این مراسم و جشن، اطلاع پیدا کنند و قدرت ما برای آن‌ها روشن شود. اما غافل از آن که در مقابل لشکر مسلمانان با اطاعت از دستورات رسول خدا (ص) در راستای اتحاد و عدم تفرقه و حفظ شوکت و قدرت خود آن‌ها را شکست خواهند داد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۸۴۳). خداوند در دستور دیگری به مسلمانان یاد آوری می‌کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/۱۰۳). در

روایات معصومین (ع) سفارشات فراوانی نیز بر پرهیز از اختلاف و تفرقه شده است به عنوان نمونه امیرالمومنین (ع) در سخنانی در انتقاد از سستی کردن و وجود اختلاف و تفرقه در بین برخی از مردم کوفه می‌فرماید: «دشمن در یاری از باطل‌شان متحد و شما در راه حق متفرقید زمامداران شما دچار مشکلات شمایند. رهبر شما از خدا اطاعت می‌کند، شما با او مخالفت می‌کنید، اما رهبر شامیان خدای را معصیت می‌کند، از او فرمانبردارند. به خدا سوگند دوست دارم معاویه شما را با نفرات خود مانند مبادله درهم و دینار با من معامله کند، ده نفر از شما را بگیرد و یک نفر از آن‌ها را به من بدهد... ای مردم (کوفه) شما چونان شتران دور مانده از ساربان می‌باشید، که اگر از سویی جمع آوری شوند از دیگر سو، پراکنده می‌گردند. به خدا سوگند، می‌بینم که اگر جنگ سخت شود و آتش آن شعله گیرد و گرمی آن سوزان، پسر ابوطالب را رها می‌کنید و مانند جدا شدن زن حامله پس از زایمان از فرزندش، هر یک به سویی می‌گریزید» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷). و در روایت دیگری نیز به سرنوشت اقوام پیشین اشاره می‌کنند: «در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت، و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تنشان بیرون آورد، و نعمت‌های فراوان شیرین را از آنها گرفت» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

• ترور کردن

ترور و حذف فیزیکی افراد یکی دیگر از مهم‌ترین روش‌های تاکتیکی می‌باشد که طول تاریخ بشری همواره دشمنان از این شیوه برای ضربه زدن به طرف مقابل از آن استفاده کرده‌اند. کلمه‌ی ترور از واژه‌ی فرانسوی «Terreur» به معنای «هراس افکنی» و «ایجاد وحشت کردن» گرفته شده است (معین، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۵۶، آشوری، ۱۳۷۳ ش، ص ۹۹). و در اصطلاح عبارت است: «وضعیتی رُعب‌آور و مملو از وحشت دانسته شده که از طریق دست‌زدن به رفتارهای خشونت‌آمیز و غافلگیرانه فردی یا گروهی جهت نیل به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک و گسترش دیدگاه‌های خود پدید می‌آید» (واعظی، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۱). که در فقه شیعی به صراحت از هرگونه تعرض به دیگری چه مسلمان چه غیرمسلمان را در وضعیت غیردفاعی (دفاع از نفس یا جامعه اسلامی) تحریم کرده است (فیرحی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۱۶). و در برخی از روایات از جمله روایت «ابی‌الصباح کنانی» از امام صادق (ع) مورد نهی واقع شده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۲۱۴، اردبیلی، ۱۳۷۹ ش،

ج ۱۳، ص ۱۷۳). اما با این وجود همواره یکی روش‌های فریب کارانه دشمنان انجام عملیات ترور اشخاص مهم و شاخص الهی بوده است. چنان که قرآن کریم در جاهای مختلفی به عملیات ترور علیه رسولان الهی اشاره فرموده است مانند تصمیم بر ترور کردن حضرت صالح (ع) توسط ۹ گروهی که در شهر وی حضور داشته‌اند (نمل/۴۹ و ۴۸). به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) نیز چندین بار در معرض ترور قرار گرفته‌اند. که از جمله این ترورها می‌توان به نقشه اصحاب عقبه و سوء قصد برای قتل رساندن رسول خدا (ص) هنگام بازگشت از غزوه تبوک بود که در جنگ تبوک در شب عقبه ۱۲ نفر از منافقین بر سرگردنه‌ای کمین کرده و قصد کشتن پیغمبر (ص) را کردند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵، ص ۵۵). که مهم‌ترین آن‌ها برنامه‌ریزی کفار برای حمله به پیامبر (ص) هنگام هجرت به مدینه در شب «لیلہ المبیت» است. قرآن کریم در مورد این اقدام و نقشه کفار فرموده است: «وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال/۳۰). مفسران در شأن آیه فوق آورده‌اند: «گروهی از قریش در خانه قصی بن کلاب، اجتماع کردند و در باره پیامبر (ص) به مشورت پرداختند. که عروه بن هشام گفت: صبر می‌کنیم تا مرگش فرا برسد. ابوالبختری گفت: از مکه اخراجش کنید تا از دست او راحت شوید. ولی ابو جهل گفت: این رأی‌ها صحیح نیست او را بکشید، برای کشتن او از هر قبیله‌ای یک نفر انتخاب کنید، تا دسته جمعی او را بکشند و بنی‌هاشم ناچار شوند به گرفتن دیه، این رأی به تصویب رسید و برای کشتن پیامبر آماده شدند. که جبرئیل گزارش شورای مشرکین را به اطلاع پیامبر (ص) رسانید. و حضرت نیز امیرالمومنین (ع) را در بستر خود خوابانید در نتیجه خداوند نیرنگ و نقشه‌ی آن‌ها را باطل کرد.» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۹، ص ۱۴۹، طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۸۲۶). و همچنین می‌توان به تلاش دشمن برای ترور و کشتن افراد در جبهه‌ی مقاومت دوران خلافت امیرالمومنین (ع) از جمله ترور نمودن مالک‌اشتر که وی را به وسیله‌ی شربت عسل مسموم به شهادت رسانند. معاویه پس از دریافت خبر شهادت مالک، هیچ‌گاه نقش خود را در کشتن مالک‌اشتر کتمان نکرد و در جمع یارانش صریحاً گفت: مالک که دست راست علی (ع) بود در راه مصر با شربت عسل کشته شد و همانا خداوند لشکریانی از عسل دارد (طبرسی، ۱۳۹۳ ش، ج ۵، ص ۹۶، سبحانی، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۵۸). از این رو یکی از مهم‌ترین پرچالش‌ترین آسیب‌های احتمالی فراروی گروه‌های مقاومت اسلامی موضوع ترور و حذف

فیزیکی افراد شاخص و موثر به ویژه در حوزه فرماندهان نظامی و امنیتی می‌باشد چرا که در عصر حاضر که با پیشرفت ابزارهای تسلیحاتی - تروریستی زمینه‌ی فعالیت‌های دشمنان را در راستای ترور کردن افراد نسبت به گذشته بیشتر فراهم نموده است و دشمن از هیچ‌گونه فرصتی غافل نخواهد بود.

• تطمیع و تهدید

از جمله مسائلی که معمولاً دشمنان در تمام سطوح و زوایای سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و... از آن به عنوان یک راهبرد موثر به کار گرفته می‌گیرند مسأله‌ی تطمیع و تهدیدنمودن گروه‌های مخالف خود می‌باشند از این رو کشورها و گروه‌های منسوب به مقاومت اسلامی باید با نظارت و تسلط کامل در تمام زوایای مختلف به خصوص در جایگاه‌های نظامی و امنیتی که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند و تمام مسائل را تحت رصد داشته باشند و از تمام امکانات خود اعم از نیروی انسانی، تسلیحاتی و... در جهت خنثی‌سازی اهداف و نفوذ دشمن به وسیله‌ی تطمیع و تهدید به کار بگیرند. با مراجعه به قرآن کریم و روایات اهل‌البیت (ع) موارد بسیاری از روش تاکتیکی دشمنان در قالب تهدید و تطمیع رسولان الهی و مومنین دیده می‌شود به عنوان نمونه می‌توان به برخی از تهدیدات و کشتن پیامبران توسط مخالفانشان اشاره نمود از جمله ابراهیم (ع)، نوح (ع)، شعیب (ع) (عنکبوت/۲۳، شعراء/۱۱۶، هود/۹۱) و... همچنین خداوند در ارتباط با وضعیت مسلمانان بعد از جنگ احد یادآور می‌شود که منافقین بعد از پایان جنگ احد در صدد ترساندن لشکر مسلمانان از سپاه ابوسفیان بوده، بدین صورت در بین مسلمان شایعه می‌کردند:

«الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/۱۷۳). در توضیح شأن نزول آیه‌ی فوق بیان شده است که این آیات در مورد لشکرکشی مجدد مشرکان و سپاه اسلام بعد از جنگ احد است. یعنی هنگامی که سپاه اسلام با تجدید سازمان به تعقیب سپاه مشرکان پرداخت، ابوسفیان برای آن که بتواند از چنگ لشگریان اسلام جان سالم به در ببرد، به گروهی که قصد رفتن به مدینه و خرید گندم را داشتند برای تهدید و ارباب مسلمان به آنان گفت: «به محمد (ص) و مسلمانان این خبر را برسانید که بت پرستان مکه و ابوسفیان، با سپاه انبوهی، به سرعت به سوی مدینه می‌آیند.» اما در مقابل هنگامی که این خبر، به پیامبر (ص) و مسلمانان رسید به تصریح قرآن بر ایمان آنان افزون شد و گفتند: «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ

نِعْمَ الْوَكِيلَ». و مسلمانان سه روز توقف کردند و انتظار کشیدند، اما خبری از سپاه ابوسفیان نشد؛ چرا که به مکه گریخته بودند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۸۸۶). با توجه به آیه‌ی مذکور همواره یکی از حربه‌های دشمن در هنگام مقابله با مسلمانان، تبلیغات منفی و جنگ روانی و تهدید کردن است، که در زمان صدر اسلام به صورت شایعه‌پراکنی و گفتگو و پیغام‌رسانی بود و در عصر حاضر به وسیله‌ی ماهواره‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، شبکه‌های اینترنت و روزنامه‌ها و... است که استعمارگران از این وسایل استفاده می‌کنند تا گروه‌های مسلمانان را ترسانیده و به اهداف خویش که چیزی جز شکست و تسلیم نمودن آنان نیست دست پیدا کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش، ج ۳، ص ۳۴۴). و همچنین می‌توان به تطمع شدن «عبداللّه بن عباس» از ناحیه معاویه اشاره نمود که این امر در نهایت موجب دلسردی و تضعیف سپاه امام حسن (ع) گردید و مقدمات تحمیل صلح بر امام مجتبی (ع) را با معاویه فراهم آورد (یعقوبی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲، ص ۱۴۱، اصفهانی، ۱۳۳۹ ش، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۴).

• گروگان‌گیری

رُبایش و گروگان‌گیری افراد مهم و تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف: علمی، مذهبی، نظامی، سیاسی و اقتصادی و... از جمله نقشه‌هایی است که همواره دشمنان از آن به عنوان یک اصل استراتژیک و راهبردی در جهت رسیدن به اهداف و باج‌خواهی بهره گرفته‌اند. از این رو با دقت در آیات شریفه قرآن کریم یکی از نعمت‌های که خداوند متعال آن را به مومنین گوشزد نموده است و به خاطر اهمیت و نقش اساسی آن در جوامع اجتماعی به آن سوگند یاد کرده است نعمت امنیت و آرامش می‌باشد چنان که فرموده است: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین/۳). که بدون شک مقصود از این سرزمین امن چنان که مفسران فریقین به آن تصریح کرده‌اند سرزمین مکه می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۷۷۵، رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۲، ص ۲۱۲، طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹). چرا که سرزمین مکه در طول تاریخ آن، حتی در عصر جاهلیت به عنوان سرزمین منطقه‌ای امن و حرم خدا محترم شمرده می‌شده است و هیچ فردی در آنجا حق تعرض به دیگران نداشته است، حتی مجرمان و قاتلان وقتی به آن سرزمین می‌رسیدند در امنیت بوده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲۷، ص ۱۳۹). بعد از اتمام تجدید بنای کعبه‌ی معظمه توسط حضرت ابراهیم

(ع) و اسماعیل (ع) وی دو درخواست مهم یعنی نعمت «امنیت» و «رزق» را برای ساکنان این شهر یعنی مکه از خداوند تقاضا می‌کنند: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ...» (بقره/۱۲۶). و در آیه‌ی دیگری خداوند در قرآن وضعیت و فضای مسلمانان مهاجر قبل هجرت را که تعداد آن‌ها بسیار اندک بوده است و خطر به گروگان گرفتن و ربایش آنان توسط دشمنان تهدید شان می‌کرده است بیان می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَ آيَدُكُمْ بِنَصْرِهِ...» (انفال/۲۶). «و به یاد آورید هنگامی را که شما گروهی اندک بودید و در آن سرزمین به ناتوانی کشیده شده بودید، و می‌ترسیدید که مردم شما را برابیند، پس خدا به شما پناه داد و شما را به یاری خود تأیید کرد». لذا موضوع و چالش آدم‌ربایی و به گروگان گرفتن افراد به خصوص افراد شاخص نظامی، مذهبی، سیاسی و... در گروه‌های مقاومت اسلامی امری است که بایستی همواره مورد توجه مسئولان نظامی و امنیتی قرار بگیرد که دشمن به هیچ عنوان نتواند موضوع امنیت افراد یک جامعه دچار خدشه بسازد زیرا در صورت موفقیت دشمن در این زمینه قطعاً دیگر ابعاد زندگی افراد یک جامعه و سایر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... تحت تأثیر واقع خواهد شد. زیرا یکی از علل عدم ایمان آوردن افراد به پیامبر (ص) ترس از ربوده شدن به وسیله دشمنان عنوان شده است و قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَ قَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا» (قصص/۵۷). «آن‌ها (مشرکان) گفتند: ما اگر هدایت را همراه تو بپذیریم، ما را از سرزمینمان می‌ربایند». در شأن نزول آیه مذکور آمده است: شخصی از مشرکین به نزد رسول خدا (ص) آمد و به ایشان عرض نمود که ما در قلب خود به حقایق تو ایمان داریم اما از ترس آن که مشرکان و عرب‌ها بر ما هجوم بیاورند و ما را از سرزمین خود برابیند نمی‌توانیم از تو تبعیت کنیم و به تو ایمان بیاوریم لذا به آن حضرت ایمان نیاوردند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۵۴، طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۴۰۶). با دقت در آیه‌ی فوق می‌توان دریافت که تهدید افراد به ربودن و گروگان‌گیری انسان‌ها و همچنین ایجاد ناامنی به صورت ابزاری برای مقابله با مسلمانان از سوی دشمنان، امری شناخته شده و رایج بوده است. و به دست می‌آید که مشرکان مکه، با آدم‌ربایی و آزار، قصد مبارزه با اسلام و پیش‌گیری از گسترش آن را داشته‌اند. همان‌گونه که با دقت در تاریخ دشمنی جبهه‌ی استکبار با کشورهایایی که از مقاومت اسلامی ناب‌الگو گرفته‌اند در

چند دهه اخیر می‌توان دریافت یک از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آسیب‌ها و چالش‌هایی که در فراروی کشورهای دارای فرهنگ مقاومت اسلامی وجود داشته و دارد مسأله‌ی ربایش و به گروگان‌گیری افراد شاخص این گروه‌ها توسط دشمنان می‌باشد که این چالش علاوه بر آن که موجب ترس و تهدیدی جدی برای افراد داخلی محسوب می‌شود به خودی خود نیز می‌تواند موجب عدم پیشرفت و حرکت رو به جلوی اهداف مقاومت اسلامی را در پی داشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- ۱- کشورهای که دارای فرهنگ مقاومت اسلامی هستند همانند دیگر کشورها و گروه‌ها در معرض آسیب‌ها و چالش‌های گوناگون در ابعاد و زوایای مختلفی می‌باشند.
- ۲- در قرآن کریم و روایات اسلامی به عنوان اصلی‌ترین و برجسته‌ترین منبع فکری و اندیشه‌ای فرهنگ مقاومت اسلامی در قالب‌های گوناگونی به چالش‌های فرا روی مقاومت اسلامی و راهکارهای برون‌رفت از آنان اشاره گردیده است.
- ۳- از جمله مهم‌ترین و حساس‌ترین چالش‌های پیش‌روی فرهنگ مقاومت اسلامی که از دیدگاه قرآن کریم و احادیث می‌توان به آن اشاره نمود چالش در حوزه مسائل امنیتی و نظامی است که به دو بخش چالش‌های درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.
- ۴- اصلی‌ترین چالش‌های درونی مقاومت اسلامی در مسائل امنیتی و نظامی از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (ع) عبارتند از: دشمن‌هراسی، برتر پنداری کاذب، خوش بینی به دشمن، اهمال در مواضع راهبردی، عدم آمادگی رزمی و آموزش‌های غیر صحیح.
- ۵- از برجسته‌ترین چالش‌هایی که ممکن است از ناحیه عوامل بیرونی متوجه فرهنگ مقاومت اسلامی قرار بگیرد، می‌توان به مواردی مانند: جاسوسی، شایعه پراکنی، تفرقه افکنی، ترور، تطمیع و تهدید و گروگان‌گیری اشاره نمود.

فهرست منابع

- نهج البلاغه
صحیفه سجّادیه
- آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، مروارید، بی جا، ۱۳۷۳ش.
- آل پورت، گوردون و پستمن، لئو، روان شناسی شایعه، ترجمه ساعد دبستانی، نشر سروش، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، موسسه الرساله، بی جا، ۱۴۲۱ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۹ش.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، موسسه آل البیت(ع)، قم، ۱۳۸۵ق.
- اصفهانى، علی بن الحسین، فرزندان آل ابی طالب، ترجمه فاضل، جواد، نشر علمی، تهران، ۱۳۳۹ش.
- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه (سیره ابن هشام)، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- بریان، پی یر، تاریخ هخامنشیان از کوروش تا اسکندر، ترجمه مهدی سمسار، نشر علم، تهران ۱۳۹۲ش.
- بیات، حسن، اصول و قواعد اساسی رزم، انتشارات دانشگاه افسری امام حسین(ع)، تهران، ۱۳۹۹ش.
- بجنوردی، محمد، درباره جاسوسی و خیانت به کشور، مجله آیین، ص ۱۹، شماره ۳۰، سال ۱۳۸۹ش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
- دیلمی، شیرویه بن شهردار، الفردوس، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس، مشهد، ۱۴۰۸ق.
- رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷ش.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- سیحانی، جعفر، فروغ ولایت، مجمع جهانی اهل البیت(ع)، قم، ۱۳۸۷ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۶ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- هانی، احمد، الجاسوسیه بین الوقایه و العلاج، الشركه المنجده للنشر و التوزیع، قاهره، ۱۹۷۴م.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دار الکتب الاسلامیه، بی جا، ۱۴۰۷ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۹۴ش.
فیرحی، داود، دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در فقه شیعه، مجله شیعه‌شناسی، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۳ش.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دار الکتب، قم، ۱۳۶۳ش.
قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس القرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، کتاب فروشی علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ش.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، موسسه آل البیت(ع)، قم، ۱۴۱۳ق.
مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
مکارم شیرازی، پیام امام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ش.
معین، محمد، فرهنگ معین، نشر زرین، تهران، ۱۳۸۶ش.
واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
واعظی، حسن، تروریسم، سروش، تهران، ۱۳۹۰ش.
یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، انتشارات علمی، فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹ش.

